

## شورای همکاری خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۲

رهبر طلایی حور<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۱

محمدحسن صبوری<sup>۲</sup>

### چکیده:

اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس باعث شده این منطقه بعنوان یکی از مهم‌ترین کانون امنیتی دنیا محسوب شود که همین موضوع اهمیت امنیت منطقه ای آن را دو چندان کرده است. در خصوص امنیت منطقه ای خلیج فارس دو گرایش وجود دارد، جمهوری اسلامی ایران اعتقاد به این دارد، کشورهای منطقه با تشریک مساعی همدیگر و بدون حضور سایر کشورها می توانند مجموعه امنیتی منطقه ای را در خلیج فارس به وجود آورند، اما گرایش کشورهای عربی منطقه متفاوت با نظر جمهوری اسلامی ایران بوده و از ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی ایران، آن کشورها با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، به تنهایی و البته با کمک ایالات متحده آمریکا و بدون توجه به اهمیت و قدرت ایران نسبت به ایجاد مجموعه امنیتی منطقه ای اقدام نموده و فضا سازی هراس افکنانه ایالات متحده آمریکا از ح.ا.ا، باعث اتخاذ رویکرد مقابله ای آن شورا در طول سه دهه گذشته بر علیه ح.ا.ا شده که همین امر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین این پژوهش در نظر دارد با واکاوی شورای همکاری خلیج فارس به عنوان مجموعه امنیتی منطقه ای تاثیر آن بر امنیت ملی ح.ا.ا ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** امنیت منطقه ای، خلیج فارس، شورای همکاری خلیج فارس، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی taleihur@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی دافوس آجا sabori-mhs@yahoo.com

## مقدمه

یکی از مناطقی که به دلیل حساسیت، همکاری در راستای امنیت آن اجتناب ناپذیر می باشد منطقه استراتژیک خلیج فارس است، این منطقه از چند دهه گذشته در کانون امنیت بین‌المللی بوده که موقعیت ژئواستراتژیک، منابع عظیم انرژی، رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این حوزه و مناقشات و بحران‌های منطقه‌ای، تاکنون از مؤلفه‌های اصلی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس محسوب می‌گردد. امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در حالی مورد توجه کشورهای عربی قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین کشور منطقه یعنی ایران را نه تنها به عنوان یک شریک برای ایجاد امنیت محسوب نکرده بلکه با ایجاد فضایی مناسب برای حضور یک قدرت فرامنطقه‌ای همچون آمریکا، تلاش‌ها بیشتر به سمت مقابله با جمهوری اسلامی ایران که می‌تواند با توجه به موقعیت خود به راحتی امنیت منطقه را تحت تاثیر قرار دهد سوق پیدا کرده است. مجموعه امنیت منطقه‌ای زمانی می‌تواند موثر باشد که تمامی کشورهای منطقه در شکل‌گیری آن سهیم باشند، بنابراین با دور کردن ایران از مسئله امنیت خلیج فارس توسط کشورهای عربی و تحمیل برخی تهدیدهای امنیتی نه تنها امنیت منطقه‌ای بوجود نیامده بلکه در طی دهه‌های گذشته این منطقه همواره با چالش‌های امنیتی مواجه بوده است. البته باید اشاره کرد براساس نظریه واق‌گرایی که موازنه قدرت یکی از اصول اصلی این نظریه محسوب می‌شود، قدرت گرفتن یک کشور در منطقه می‌تواند سایر کشورهای منطقه را به ایجاد ائتلاف و اتحاد با هدف مقابله با آن کشور سوق دهد خصوصاً این که این قدرت جدید خود را به عنوان یک قدرت ایدئولوژیک مطرح کند اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران با هدف قدرت‌نمایی و مقابله با فرهنگ و ایدئولوژی کشورهای منطقه شکل نگرفته و از همان ابتدا داشتن رابطه قوی و مستحکم با کشورهای منطقه را در اصول سیاست خارجی خود منظور نموده است. اما حضور یک قدرت فرا منطقه‌ای که به دلیل داشتن منافع خود، نزدیکی کشورهای منطقه را شکست و از بین رفتن منافع برای خود تلقی می‌نماید در طی چند دهه گذشته تمام تلاش

خود را برای جدا سازی کشورهای عربی منطقه از ایران بکار گرفته و آنها را ترغیب نموده بدون توجه به ایران نسبت به ایجاد مجموعه امنیتی منطقه ای اقدام نمایند. برای همین منظور این کشورها علاوه بر اینکه با آمریکا رابطه امنیتی مستحکمی برقرار کرده اند، ائتلافی تحت عنوان شورای همکاری خلیج فارس را به وجود آورده اند که سیاست های اتخاذ شده در این شورا طی چند دهه گذشته امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

هدف این نوشتار توضیح شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه ای، به منظور آکاوی تاثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با بکارگیری روش توصیفی تحلیلی است و به منظور تحقق این هدف مباحث در سه بخش سازماندهی می شود. در بخش نخست چارچوب نظری مجموعه امنیت منطقه ای توصیف و شرح داده می شود. در بخش دوم، روند شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس و اهداف آن و همچنین رابطه شورا با ج.ا.ا بررسی می شود. بخش مهم نوشتار تجزیه و تحلیل و چگونگی تاثیر این شورا بر امنیت ملی ج.ا.ا است و در بخش نتیجه گیری پیشنهادها و راه کارهایی را برای کاهش چالش ها و تهدیدات امنیتی و افزایش ضریب امنیت ملی ایران ارایه خواهیم داد.

## ۱- چارچوب نظری، مجموعه امنیت منطقه ای<sup>۱</sup>:

در جهان مدرن، افزایش امنیت یک کشور به افزایش امنیت دیگر کشورها به خصوص در سطح منطقه بستگی دارد و در این راستا، مفهوم امنیت بین المللی و امنیت منطقه ای به اندازه اصطلاح امنیت ملی معنی دار است.

اگر مفهوم امنیت منطقه ای را از نظر ترکیب واژگانی در نظر بگیریم، دارای دو واژه «امنیت» و «منطقه ای» است. هر دو واژه پیچیده و تعاریف نسبی برای آنها وجود دارد بنابراین با وجود مشکلات نظری فراوانی که درباره این اصطلاح وجود دارد می توان آن را به این صورت تعریف کرد؛ مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که

1. Regional Security Complex

اعضای یک نظام منطقه ای در زمانی خاص آن را به کار می برند، پس امنیت یا ناامنی منطقه ای می تواند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه های جمعی به دست آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

اصطلاح مجموعه امنیت منطقه ای نخستین بار به طور مشخص در دهه شصت در آثار افرادی چون ویلیام تامس<sup>۱</sup> و گراید<sup>۲</sup> به کار رفت اما این اصطلاح به طور مبسوط و بارز در نوشته های باری بوزان<sup>۳</sup> گنجانده شد و به عنوان یک مفهوم کلیدی در ادبیات روابط بین المللی وارد شد.

بوزان با ارائه یک تعریف جامع، مجموعه امنیتی منطقه ای را چنین تعریف می کند «مجموعه ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به گونه ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل و فصل شود.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای در مسیر تحولات علمی و واقعیات امنیتی دهه ۱۹۹۰ دچار تحول گشت. بدین ترتیب که برخلاف طرح این نظریه بر پایه دو مولفه سیاسی و نظامی در سال ۱۹۹۱ از سوی بوزان، در کتاب مشترک بوزان، ویور<sup>۴</sup> و دوایلد<sup>۵</sup> با عنوان «امنیت، چهارچوبی جدید برای تحلیل» در سال ۱۹۹۸ با توجه به پنج مولفه نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی مورد بازبینی قرار گرفت تا به نظر نویسندگان کتاب از قابلیت بیشتری برای تبیین تحولات امنیتی جهان پس از جنگ سرد برخوردار گردد. (Buzan, 1998: 201)

بنابراین از نظر بوزان اولین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه ای، سیستم مشخص از روابط امنیتی مجموعه ای از دولتهاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند.

1. V. Tams
2. Graid
3. Barry Buzan
4. Waver
5. Dewild

دومین ویژگی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها می‌باشد. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۵)

ویژگی سوم در شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود وابستگی متقابل شدید میان گروهی از کشورهاست که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. وی بیان می‌دارد که مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورها امنیت آنها را به هم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا نموده باشد. بطوریکه شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد.

در جایی دیگر بوزان بر این عقیده است که عامل اساسی و تعیین کننده موجودیت مجموعه، حضور یا "احساس تهدید و ترس متقابل" میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه می‌باشد. منظور از کاربرد "متقابل بودن" در تعریف مجموعه امنیتی منطقه‌ای، به ارتباطات امنیتی دو بازیگر قدرتمند محلی یا اصلی در آن اشاره دارد. در واقع وجود ترس و نگرانی هر دو طرف از یکدیگر است که از جمله ملزومات مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. این مسئله نیز گویای وجود مجموعه‌هایی در سطوح پایین تا سطوح بالایی می‌باشد که بسته به قدرت اعضای مجموعه تنها در سطح منطقه‌ای یا در سطح فراتر از آن تاثیر گذار خواهد بود. (همان: ۲۱۹)

بوزان همچنین مسئله همبستگی‌های نژادی و فرهنگی را نیز از جمله مولفه‌های فرعی تاثیر گذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی می‌داند اما این همبستگیها را در زمینه تصورات امنیتی در مرتبه بعدی اهمیت قرار می‌دهد ایشان وجود عوامل فرهنگی، قومی مانند وجود قومیت واحد و مذهب واحد را از اصلی ترین عامل در شکل‌گیری همکاریها و همگرایی میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌داند. (همان: ۲۲۳)

بوزان دومین مولفه فرعی تاثیر گذار در مجموعه امنیتی منطقه ای را نقش عوامل اقتصادی می‌داند. وی بیان می‌دارد که توجه به ابعاد نظامی، سیاسی و اجتماعی امنیت در مورد کشورهای تشکیل دهنده مجموعه امنیتی مهم است. اما بررسی الگوهای تهدید و مسأله دوستی و دشمنی نشان دهنده این مطلب است که روابط اقتصادی به اندازه روابط نظامی و سیاسی تحت تاثیر قرابت جغرافیایی قرار ندارد. بدین ترتیب روابط اقتصادی به طور جداگانه می‌تواند میان اعضای مجموعه قوی باشد یا ضعیف و تاثیر چندانی نگذارد. بوزان اظهار می‌دارد که عوامل اقتصادی می‌تواند در چشم انداز همگرایی منطقه‌ای اثر گذار باشند و می‌باید در تحلیل مجموعه امنیتی مورد توجه قرار بگیرند اما در چهارچوب مورد استفاده ما برای بررسی خود امنیت اقتصادی مناسب نمی‌باشد. (همان: ۲۲۹)

با توجه به ویژگی های اشاره شده در ارتباط با ایجاد مجموعه امنیت منطقه ای می‌توان گفت دو ویژگی احساس تهدید و ترس متقابل و همبستگی های نژادی و فرهنگی که بوزان به آنها اشاره نموده نقشی تاثیر گذار در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس داشته است.

## ۲- شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس و اهداف آن:

وجود منافع اقتصادی، ایدئولوژیک و امنیتی مشترک، دولت‌ها را بر آن می‌دارد که در چهارچوب همکاری های درون گروهی، اتحادها و ائتلاف هایی را به وجود آورند شورای همکاری خلیج فارس یکی از سازمانهایی است که ابتدا در تشکیل آن بر همکاری اقتصادی تاکید شد در حالی که امنیت منطقه ای زمینه اصلی تشکیل شورا بود ولی بنا به ملاحظاتی در ظاهر اهداف اقتصادی در اولویت قرار گرفته بود. می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی اصلی ترین دلیل بر شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس شد، این انقلاب با آرمانهای جهانی و اهداف ضدامپریالیستی در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس، الگوی جدیدی را به وجود آورد و با به چالش کشیدن قدرتهای مسلط جهان در زمان خود، باعث شد الگوی توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای دستخوش تغییر و تحول اساسی شود. این انقلاب با رویکردی مردمی و براساس ارزشهای دینی و تمدن اسلامی

علیه سلطه نظامهای خارجی و در رأس آن آمریکا، بر شئون دینی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جوامع، تحول جدی و جدیدی را در منطقه و در میان رژیمهای عرب حاکم کرد که تمام جوامع جهان را چه به صورت دفاع و حمایت و یا به صورت حمله و تهدید، به واکنش واداشت. در این میان کشورهای عربی در منطقه به دنبال احساس خطر، به واکنشهای جدی و خطرناکی اقدام کردند که البته در این میان نباید از نقش آمریکا در تحریک این کشورها غافل شد. آمریکا با اعتقاد به اینکه پیامدهای ایدئولوژیک سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران می تواند فضای ژئوپولیتیکی خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داده و امنیت آمریکا و کشورهای منطقه را به خطر اندازد سعی نمود با تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط با کشورهای عربی فضایی رعب انگیز و تنش‌زا در ارتباط ایران با کشورها به وجود آورد. کشورهای عربی به دلیل ترس از انقلاب اسلامی ایران سعی کردند در مقابل این انقلاب واکنش نشان داده و شورای همکاری خلیج فارس را با هدف تامین امنیت منطقه ای بوجود آوردند.

شورای همکاری خلیج فارس از شش کشور عربی تولید کننده نفت شب جزیره عربستان یعنی عربستان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و عمان تشکیل شده است. فکر تشکیل چنین شورایی در اوایل دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) وجود داشت اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با فروریختن پایه های قدرت آمریکا در منطقه و احساس خطر و ناامنی حکام منطقه نسبت به آینده رژیم های خود در مقابل گسترش انقلاب اسلامی و همچنین با توجه به سیاست جدید آمریکا در منطقه برای ایجاد کمربند امنیتی تشکل بین کشورهای کوچک تر منطقه باردیگر مورد توجه جدی قرار گرفت. بر همین اساس جلسات و دیدارهایی توسط مقام های ۶ کشور عربی صورت گرفت و در کلیه مذاکرات تشکیل شورایی از ۶ کشور محور تصمیمات قرار داشت به طوری که در نوامبر ۱۹۸۰ دو ماه بعد از جنگ تحمیلی و در یازدهمین اجلاس سران عرب در امان پایتخت اردن، امیر کویت از رهبران کشورهای عربی خلیج فارس خواست در مورد ایجاد یک استراتژی مشترک و نیز همکاری در زمینه های مختلف بیانیدهند. (persingulf studies.com)

در این راستا در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ پس از تشکیل سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در طائف عربستان، رهبران شش کشور حوزه خلیج فارس در حاشیه کنفرانس یک اجلاس غیر رسمی تشکیل دادند، دستور کار این اجلاس بررسی موضوع همکاری بین کشورهای منطقه بود. نتیجه اقدامات و مذاکرات سرانجام منجر به تشکیل شورا در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۶ گردید.

زمان تشکیل این شورا نیز مهم است. هنگامی که آمریکا به این نتیجه رسید توان حمله نظامی مستقیم موفقیت آمیز به ایران را ندارد و زمانی که حمله نظامی عراق به ایران نتوانست سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران را موجب شود و هر دوی این عوامل حکایت از توان و قدرت نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران می نمود، کشورهای شبه جزیره عربستان برای حفظ حکومت خود در مقابل قیام هایی احتمالی درونی به دنبال نقطه های اتکاء می گشتند. با توجه به خواست آمریکا برای اعمال سیاست کمربند امنیتی، این کشور آماده ترین و مناسب ترین حامی بود، اما توسل علنی به این قدرت خارجی خود دلیل و علتی برای تشویق و سرعت بخشیدن به قیام های مردم منطقه می شد. شورای همکاری خلیج فارس با هماهنگی در سیاست خارجی اعضاء می توانست تا حدودی این مشکل را کاهش دهد و سرکوب قیام های داخلی را با شدت و توان بیشتری به انجام برساند. در این میان عراق نیز مخالفت قبلی خود را با تشکیل چنین شورایی کنار گذاشت. عراق تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را در حقیقت کوششی در جهت هماهنگ کردن کمک و حمایت دولت های عضو شورا از عراق می دید و بنابراین به ایجاد این شورای منطقه ای بدون حضور عراق رضایت داد.

### علل اصلی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس:

۱- یکی از مهم ترین دلایل تشکیل شورا را می توان پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانست البته از دو بعد می توان این تاثیر را مورد توجه قرار داد.

الف - اتحاد بین دول عربی منطقه که دارای سیستم های حکومتی پادشاهی، امیر نشین، و شیخ نشین می باشند، توان آنها را در مقابله با خطر داخلی افزایش می دهد.



ب- این اتحاد، بنیه نظامی - سیاسی آنها را در مقابل خطر احتمالی خارجی (و بیشتر تخیلی ایران) تقویت می کند.

۲- هماهنگی با استراتژی منطقه ای آمریکا، مسلح کردن عربستان و تبدیل آن به ستون اصلی سیاست آمریکا در منطقه، مستلزم ایجاد یک پوشش وسیع منطقه ای و جلب و جذب سایر کشورهای منطقه در استراتژی نظامی آمریکا بود تا بدین وسیله عربستان در منطقه تنها نباشد.

۳- دلیل دیگر می توانست آن باشد که با سقوط رژیم شاه در ایران، حلقه اتصال بین پیمان ناتو و سیتو گسسته بود و جایگزینی آن توسط کشورهای شبه جزیره عربستان دارای اهمیت بود.

۴- تشکیل شورا توان مقاومت این رژیم ها را در مقابله با نیروهای پیشرو و مترقی جهان عرب افزایش می داد.

۵- البته مقابله با تهدید شوروی نیز به عنوان عامل دیگر می تواند مورد توجه قرار گیرد، چنین تهدیدی با نفوذ شوروی در افغانستان جدی تر شده بود. (الهی، ۱۳۸۴: ۴۲۱- ۴۲۴) ۳- رابطه ایران و شورای همکاری خلیج فارس:

با آغاز جنگ و به رغم حمایت بی دریغ عربستان و کویت از عراق روابط ایران با عربستان و کویت ادامه یافت ولی این روابط بیشتر پر تنش و متشنج بود، سرانجام نیز عربستان در پی حاشه کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶، روابط دیپلماتیک خود با ایران را در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ قطع کرد و به طور کلی تا سال ۱۳۶۸ روابط ایران با شورا تحت تاثیر جنگ ایران و عراق بود.

با پایان جنگ عراق علیه ایران، به تدریج سازوکارهای لازم برای تحقق واقع گرایی در سیاست خارجی ایران با پذیرش نظام حاکم بر روابط بین الملل، عضویت فعال در سازمان های منطقه ای و بین المللی و تلاش جهت به وجود آوردن فضای هم زیستی با کشورهای همسایه شکل گرفت و عادی سازی روابط با کشورهای عضو شورا از سال ۱۳۶۸ به بعد آغاز گردید و الگوهای رفتاری از رویارویی به مصالحه و هم زیستی سوق یافت و بیش

همکاری جویانه بر دیپلماسی طرفین در حوزه های دفاعی، امنیتی و سیاست خارجی حاکم گشت. به طور کلی هدف اساسی ایران در خلیج فارس از این مقطع زمانی به بعد تامین امنیت منطقه با کمک قدرت های حاشیه ای آن و هدف کوتاه مدت آن مهار عراق و آشتی جویی با دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس بود. (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۲)

با خاتمه جنگ و در دوران سازندگی - دوره آقای هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) - نیز که با وقوع تحولات در سطح منطقه ای و بین المللی، عمل گرایي و واقع گرایی را در سیاست و روابط خارجی ایران شاهد هستیم. از آن پس تنش زدایی و اعتماد سازی دو رکن کلیدی سیاست خارجی ایران شد، در این میان توسعه روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نقش بسیار مهمی ایفا می کرد. با تهاجم عراق به کویت نیز، تحویلی اساسی در روابط بین ایران و این کشورها به وجود آمد و آقای ولایتی، وزیر امور خارجه، سفر دوره ای خود را به این کشورها آغاز کرد به طوری که با امیر قطر، پادشاه عمان، رئیس امارات متحده عربی و امیر بحرین، دیدار و گفتگو کرد.

پس از آزاد سازی کویت نیز همکاری های ایران با این کشورها ادامه یافت، به طوری که برگزاری اجلاس مشترک کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران در نیویورک در شهریور ۱۳۷۰، اوج تجلی این همکاری ها بود و نمونه بارز آن، برقراری مجدد رابطه ایران و عربستان در ۶ فروردین ۱۳۷۰ بود و سفارت ایران نیز در ماه بعد بازگشایی شد. در پی بهبود روابط با عربستان، روابط ایران با کویت نیز تقویت شد، سپس مناسبات ایران با عمان، قطر و بحرین نیز به موازات گسترش و توسعه روابط ایران با عربستان و کویت بهبود یافت. اما به دنبال اخراج ساکنان غیر تبعه امارات از جزیره ابوموسی، روابط در کشور دستخوش تنش شد و در پی آن مذاکراتی بین دو کشور برای حل مسالمت آمیز اختلافات، صورت گرفته اما به نتیجه ای نرسید. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۴۱۰)

در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) سیاست بهبود روابط با همسایگان از اولویت اساسی برخوردار شد، به طوری که در عرصه منطقه ای تنش زدایی و عادی سازی روابط که در دوره آقای هاشمی آغاز شده بود با شدت بیشتری دنبال شد. در

راستای تنش زدایی در سیاست خارجی، روابط ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس افزایش یافت به طوری که از دوره آقای خاتمی به عنوان گرم ترین مرحله تاریخ سیاسی روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه عربستان یاد می کنند.

سرآغاز اعمال و اجرای سیاست تنش زدایی، هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در ۱۸ آذر ۱۳۷۶ در تهران بود. مهم ترین دستاورد این اجلاس، توسعه و تعمیق روابط بین ایران و عربستان بود به گونه ای که امیر عبدالله، ولیعهد عربستان که در اجلاس حضور داشت، آن را دیداری تاریخی خواند (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۰)

در دوران اصلاحات در چارچوب اندیشه گفتگوی تمدن ها و اصل تنش زدایی، باز سازی و توسعه روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت. به گونه ای که رئیس جمهور و وزیر امور خارجه گسترش مناسبات و همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس را بر مبنای تنش زدایی یکی از اصول و اولویت های اصلی سیاست خارجی ج.ا.ا اعلام کردند در این دوره نقطه عطف روابط ایران و عربستان و شورای همکاری خلیج فارس با سفر رئیس جمهور ایران به عربستان و قطر در اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ رقم خورد. سفر وزیر کشور عربستان به تهران در فروردین ماه سال ۱۳۸۰ سر فصل جدیدی را در روابط دو کشور گشود. در جریان این سفر قرارداد امنیتی بین ایران و عربستان به امضاء رسید. این توافق موجب بهبود روابط ایران با سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شد و حتی قرارداد مشابهی بین ج.ا.ا و کویت نیز به امضاء رسید. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۴۵۸-۴۶۱)

جالب توجه است که بیشتر کشورهای عربی، به رغم روابط سرد تاریخی با جمهوری اسلامی، از انتخاب آقای محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری استقبال کردند. همسایگان عرب نفت خیز ایران در خلیج فارس به رغم اختلافات دیرپا با جمهوری اسلامی، پیامهایی گرم به رئیس جمهور جدید فرستادند و خود آقای احمدی نژاد گفت که به تلاش برای بهبود روابط با جهان عرب و جهان اسلام اولویت خواهد بخشید. رهبران کشور قدرتمند منطقه یعنی عربستان سعودی شامل پادشاه بیمار آن ملک فهد از زمره

نخستین رهبرانی بودند که به آقای احمدی‌نژاد تبریک گفتند. احساسات مشابهی از سوی کویت و امارات متحده عربی، به رغم اختلاف دیرپای این کشور بر سر سه جزیره استراتژیک خلیج فارس، ابراز شد. شورای همکاری خلیج فارس گفت که امیدوار است رئیس‌جمهور جدید در جهت «ورق زدن صفحه‌ای جدید» در روابط ایران با همسایگانش تلاش کند. (France-Presse, June 27, 2005)

در همین حال، با کمال شگفتی رئیس‌جمهور ایران آقای احمدی‌نژاد برای شرکت در نشست سالانه سران شورای همکاری خلیج فارس که در سال ۲۰۰۷ در دوحه قطر برگزار می‌شد دعوت‌نامه دریافت کرد. در واقع، وی نخستین رئیس‌جمهور ایران بود که از زمان تشکیل این شورا در ۲۶ سال پیش از آن در اجلاس سران آن شرکت می‌کرد. در این اجلاس، رئیس‌جمهور ایران ابراز داشت که ما خواهان صلح و امنیت بدون هر گونه نفوذ بیگانه هستیم، و پیشنهاد برقراری پیمانها و نهادهای اقتصادی و امنیتی را در میان این هفت دولت برای خدمت به مردم منطقه و برقراری صلح و شکوفایی برای همه مطرح ساخت. (Alsharq Alawsat, 2007)

از نظر بسیاری از تحلیل‌گران، حضور محمود احمدی‌نژاد نقطه برجسته بیست و هشتمین اجلاس شورای همکاری خلیج فارس بود. با این حال، هیچ چیز در ارتباط با مشارکت ایران در این نشست و یا پیشنهادهای مطروحه رئیس‌جمهور ایران در بیانیه پایانی ذکر نشد. سخنان کوتاه ریاست قطری مبنی بر خوشامدگویی به مهمانان و چند کلمه در خصوص قول بررسی پیشنهادهای وی تنها پاسخی بود که ایرانیها دریافت داشتند. (Alahram Weekly, 2007)

علی‌رغم این تلاش‌ها، باز هم روابط خارجی ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به واگرایی سوق یافت و در ادامه تحت تاثیر عواملی مثل هلال شیعی، مسئله انرژی هسته‌ای ایران، ادامه اختلافات دیرینه ایران با امارات بر سر جزایر سه‌گانه و تشدید حلقه امنیتی ایران توسط آمریکا و نقش این کشور در ایران‌هراسی کشورهای منطقه، واگرایی نه تنها تداوم یافته، بلکه تشدید هم شده است.

#### ۴- تاثیر سازمان شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت ملی ایران:

آنچه آمد مشخص می شود که شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه ای برای جمهوری اسلامی ایران ماهیتی امنیتی و آماج های راهبردی داشته و به طور مستقیم و غیر مستقیم امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار می دهد.

شورای همکاری خلیج فارس جدا از حمایت های مالی چندین میلیارد دلاری و نیروی نظامی و نیز در اختیار عراق قرار دادن برخی از سرزمین های استراتژیک خود همچون جزیره بوبیان و وره کویت بر علیه ایران و همچنین تشکیل سپر جزیره در سال ۱۳۶۶ برای کمک اطلاعاتی به عراق در جنگ تحمیلی، بعد از جنگ ابعاد تهدیدی شورا بر علیه ایران با توجه به سیاست های هراس افکنانه کشورهای غربی، گسترده شده و جمهوری اسلامی ایران را با چالش های امنیتی مواجه کرده است.

بر اساس تعریف صورت گرفته از امنیت ملی و هدف مرجع امنیت، که فراتر از امنیت خارجی و صیانت از دولت است تاثیرات منفی یا چالش های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس علیه امنیت ملی ایران را می توان در سه بعد سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد و طبیعی است میزان تاثیر پذیری امنیت ملی ایران از این تهدیدات متفاوت است.

#### ۴-۱- چالش های سیاسی

با توجه به تفاوت های اساسی نظام سیاسی ج.ا.ا با نظام های سیاسی حاکم بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و داشتن مهم ترین شاخص های دمکراتیک در نظام سیاسی ج.ا.ا برخلاف آن کشورها، به نظر می رسد شورای همکاری خلیج فارس نمی تواند در ابعاد داخلی چالش های سیاسی را برای ج.ا.ا به وجود آورد اگرچه به دلیل دستیابی آسان ساکنین استان های جنوب و جنوب غرب ج.ا.ا به این کشورها و مشاهده وضعیت اجتماعی آنها می تواند تاثیری بر نگرش این گونه افراد داشته باشد و امنیت این بخش از کشور را تحت تاثیر قرار دهد و لیکن مقایسه وضعیت کشورها از ابعاد مختلف سیاسی ،

اجتماعی، فرهنگی و... می تواند مانع جدی برای شکل گیری این نگرش باشد و بررسی حضور مردم استان های جنوب نشین در مقوله های مهم سیاسی کشور از جمله انتخابات مختلف، بیانگر این امر است که مردم این استان ها در کنار سایر مردم کشور، با وجود فعالیت سازمان های اطلاعاتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با همکاری سازمان های اطلاعاتی کشورهای غربی برای ایجاد تفرقه در بین قومیت های مختلف ج.ا.ا، برای ثبات بیشتر سیاسی کشور تلاش می نمایند و از این بعد این شورا نتوانسته بر امنیت ملی ایران نقشی تاثیر گذار داشته باشد. اما ابعاد خارجی چالش سیاسی شورای همکاری خلیج فارس به مراتب گسترده تر و با توجه به تاثیر گذاری آن می تواند از شدت بیشتری برخوردار است که در این بخش به چند مورد از فضا سازی منفی آن شورا بر علیه ایران که می تواند اعتبار و حیثیت کشور را در نظام بین المللی خدشه دار سازد اشاره می کنیم.

#### ۴-۱-۱ حمایت از ادعای مالکیت امارات بر جزایر سه گانه ایران

اختلاف میان ایران و امارات متحده عربی بر سر سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک روابط ایران را با همه کشورهای شورای همکاری تحت شعاع قرار داده است. حتی حرکات دوستانه دولت اصلاحات نیز نتوانست در حل این اختلاف به موفقیت بینجامد و تلاشها در آن دولت این مشکل را تنها تحت کنترل نگه داشت. طبق روال همیشگی، در نخستین نشست سران شورای همکاری پس از روی کار آمدن احمدی نژاد در ایران، بار دیگر این مسأله مطرح گردید. دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵ در ابوظبی ادعا کرد که به رغم درخواستهای امارات برای مذاکرات مسالمت آمیز مستقیم یا ارجاع مسأله به دیوان بین المللی دادگستری، ایران همچنان به اشغال این جزایر ادامه می دهد (RFE/RL Iran Report, December 27, 2005)

با این حال، اختلاف بر سر جزایر سه گانه خلیج فارس در زمان حکومت آقای احمدی نژاد نیز قابلیت حل شدن را نداشت؛ زیرا هر دو طرف هنوز بر سر ترتیبات حل و فصل مناقشه توافق نداشتند. هر چند در می ۲۰۰۷، آقای احمدی نژاد به نخستین رئیس دولت ایرانی تبدیل شد که از زمان تأسیس امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ تا کنون از این کشور

دیدار می‌کرد اما این دیدار ظاهراً نتوانست به حل و فصل این اختلاف یاری برساند.  
(سال‌می، ۱۳۸۴: ۳)

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در نشست های خود به جای پرداختن به مشکلات اساسی منطقه و خطر ناشی از وجود زرادخانه هسته‌ای اسرائیل به مسائلی مانند فعالیت‌های هسته‌ای ایران و جزایر سه گانه ایرانی می‌پردازند و عبدالرحمان العطیه دبیر شورای همکاری خلیج فارس نیز دائماً بر متعلق بودن جزایر سه گانه به امارات تاکید می‌نماید. آن شورا در بیانیه پایانی نشست اخیر خود پس از سفر رییس جمهور ایران به جزیره ابوموسی در فروردین ماه سال جاری با تکرار ادعاهای واهی امارات درباره جزایر سه گانه ایران، ادعا کرد دیدار رئیس جمهوری ایران از جزیره ابوموسی حقایق تاریخی را تغییر نخواهد داد. در بیانیه شورا آمده، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شدت دیدار اخیر احمدی نژاد از جزیره ابوموسی را محکوم کرده و آن را اقدامی تحریک آمیز و نقض آشکار حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه می‌داند. شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در این بیانیه سفر احمدی نژاد را در تناقض با سیاست حسن همجواری که این کشورها در قبال ایران اتخاذ کرده اند دانسته است. این شورا همچنین این سفر را بر خلاف تلاشها در راستای حل مسالمت آمیز اختلافات درباره جزایر سه گانه دانسته است. ([www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)) امارات متحده عربی در طی چند سال گذشته در تلاش بوده تا با جلب حمایت های قدرت های بزرگ و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به بین المللی شدن مسئله جزایر ایرانی کمک کند. و در این راه تا حدودی موفقیت هایی به دست آورده است چرا که این چندمین بیانیه ای است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به صورت دسته جمعی از ادعاهای واهی امارات متحده عربی حمایت کرده و بر نقض حاکمیت ج.ا.ا بر جزایر سه گانه تاکید می‌نمایند. البته در این گونه اظهارات و صدور بیانیه ها نباید از نقش غرب و خصوصاً ایالات متحده آمریکا غافل شد، اهمیت این گونه تلاش ها و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران در این است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس سعی می‌کنند با فضا سازی رسانه ای به کمک ایالات متحده آمریکا، ایران را

به عنوان کشور اشغالگر معرفی نمایند و این می تواند بر اعتبار سیاسی ایران در نظام بین الملل خدشه وارد سازد ضمن این که این ادعاها امنیت وجودی و تمامیت ارضی ایران را مورد هدف قرار داده و نقض حاکمیت ج.ا.ا را موجب می شود و طبیعی است با توجه به تبلیغات منفی که بر علیه کشور ایران به راه انداخته اند این فضا سازی ها موثر واقع شده و نگرش افکار عمومی مردم کشورهای مختلف را نسبت به ایران منفی سازد و همین امر تلاش های ایران در ابعاد مختلف خصوصاً انرژی هسته ای را تحت تاثیر قرار دهد.

البته باید اشاره کرد خالی از سکنه بودن این جزایر به دلیل محرومیت آنها می تواند تهدیدات را دو چندان کند و جمهوری اسلامی ایران باید ضمن بکارگیری دیپلماسی قوی در این زمینه برای حفظ استقلال و حاکمیت خود، از دید امنیتی - اجتماعی به این جزایر نگاه کرده و با برنامه های توسعه ای و محرومیت زدایی حاکمیت خود بر این جزایر را مستحکم کند که این امر می طلبد مسئولین کشور با توجه به حساسیت ژئوپولیتیکی این جزایر برنامه ریزی دقیقی برای فراهم نمودن بسترهای مناسب برای زندگی در آنها را فراهم نموده تا این جزایر همچون سایر جزایر خلیج فارس از جمله قشم و کیش به عنوان جزایر توریستی و حتی اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۴-۱-۲ جعل عنوان خلیج فارس

کلبه مورخان و جغرافی دانان جهان چه در دوران باستان و چه در قرون وسطی و در دوران معاصر از نام خلیج فارس به اسامی دریای پارس، خلیج فارس و یا خلیج العجم و امثال آنها یاد کرده اند و جز آنها نامی نمی شناسند. اولین کسی که آشکارا نام مجعول « خلیج العربی» را به جای نام صحیح و اصیل خلیج فارس جعل کرده و آن را با زیرکی خاصی بکار برده است، سیاستمدار انگلیسی به نام « سرچارلز بگلریو» بود که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ میلادی به مدت ۳۱ سال به عنوان کارگزار دولت انگلیس در خلیج فارس مشغول فعالیت بود. وی در کتابی که در سال ۱۹۶۶ میلادی منتشر کرد، چنین آغاز سخن کرده است: « خلیج فارس که تازیان آن را خلیج عربی می گویند...» و بدین ترتیب می خواهد به اعراب بگوید که فراموش نکنید که این منطقه نامش خلیج عربی است. قبل از



استفاده وی از این واژه جعلی، واژه خلیج عربی هرگز در نوشته های معتبر به چشم نمی خورد. آقای بگلریو اولین بار از این واژه ی مجعول در مجله صوت البحرين استفاده نمود و سعی زیادی در گسترش و جا انداختن آن کرد.

کشورهای عربی به تنهایی و یا به تحریک بیگانگان و دشمنان ایران از محل درآمدهای هنگفت نفتی خود بعضی از مامورین سیاسی و یا صاحبان مطبوعات و نشریات را در کشورهای خارجی می خرنند تا آن ها به جای نام تاریخی خلیج فارس نام خلیج عربی را رواج و توسعه دهند. (تجدد، ۱۳۸۷: ۹۰ - ۱۰)

مسئله خلیج فارس و مخالفت بعضی از اعراب با نام و نشان تاریخی آن و ادعاهای جعلی بر جزایر ایرانی، جنبه سیاسی دارد و ریشه آن در سیاست های استعماری است. البته ایران در برابر این برخوردها همواره یک رفتار عاقلانه و منطقی اتخاذ کرده و دولت ایران در هر مقطعی که کشور یا رسانه ای از نام جعلی خلیج فارس استفاده کرد به سرعت اعتراض خود را نسبت به این اقدام اعلام کرده که از اقدامات مهم می توان به اعتراض ایران به شبکه بی بی سی پیش از انقلاب اسلامی و عذرخواهی این رسانه در برابر این اعتراض و وادار کردن سازمان ملل متحد در تایید نام خلیج فارس یک بار پیش از انقلاب و دوبار هم پس از انقلاب در سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ اشاره کرد. اما با توجه به اقدامات گسترده کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در جعل نام خلیج فارس در چند سال اخیر تنها اعتراض نمی تواند اقدام مقابله ای باشد و باید با تمام توان از زیاده خواهی این کشورها جلوگیری شود. غفلت از این موضوع از یک طرف و تبلیغ گسترده این کشورها برای تأثیر گذاری بر افکار عمومی جهانی از طرف دیگر، حتی می تواند مالکیت ایران بر سه جزایر مورد ادعای امارات متحده را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین به نظر می رسد نامگذاری روز ملی خلیج فارس یا احداث پل و بزرگرایی با نام خلیج فارس و... اگر چه اقدامی مثبت بوده ولی باید به این نکته توجه کرد که در داخل کشور این موضوع مطرح نیست و نام خلیج فارس با خون مردم ایران عجین شده است و نیاز است در سطح جهانی اقدامات موثری برای بی تأثیر کردن فعالیت های تبلیغاتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که البته با

حمایت کشورهای غربی صورت می گیرد انجام پذیرد. باید تلاش کرد با فعالیت های سیاسی و دیپلماتیک و با شیوه های دوستانه و محبت آمیز مسئله را از سیاست به فرهنگ، علم، همسایگی و اشتراکات تاریخی تبدیل کرد و سود و زیان این نامگذاری های نامربوط را روشن کرد. ضمن اینکه می توان با اعزام نمایندگان کشور برای شرکت در محافل و رسانه های معتبر بین المللی، تهیه کتاب هایی با زبانهای خارجی برای اثبات دلایل تاریخی و فرهنگی نامگذاری خلیج فارس، برگزاری سمینارها و جلسات علمی با دعوت از تاریخدانان و همچنین محققان کشورهای عربی برای جلوگیری از انحراف افکار عمومی جهان و خصوصاً کشورهای عربی جلوگیری کرد.

#### ۴-۱-۳ - حمایت از گروهک های تروریستی

القاعده و طالبان در حقیقت ساخته و پرداخته سازمان های اطلاعاتی پاکستان، انگلیس، آمریکا، عربستان و تا حدودی امارات عربی متحده است. سال ۱۹۹۷ خانم بی نظیر بوتو، نخست وزیر وقت پاکستان که در انگلیس در تبعید به سر می برد، در مصاحبه ای به دست داشتن در تشکیل پدیده طالبان اعتراف کرد و گفت: ما در شکل گیری این پدیده، تنها نبودیم. وی افزود: ما در این قضیه، نقش مجری را داشتیم و آمریکا و انگلیس خط و برنامه دادند و عربستان سعودی نیز برای این تشکیلات از نظر مالی هزینه می کرد. البته آمریکا به خاطر ادعاهای واهی حقوق بشر نمی توانست طالبان را به رسمیت بشناسد، اما ۳ کشور عربستان، امارات و پاکستان در آن زمان، رژیم طالبان را به رسمیت شناختند و کشورهای عربستان و امارات، همچنان با سران طالبان ارتباط خود را حفظ کردند.

رابطه نزدیک خاندان بن لادن با کاخ سلطنتی عربستان و نیز دوستی اسامه با بسیاری از شاهزادگان، از جمله عوامل اصلی شکل دهنده شخصیت و کارهای بن لادن بود. اسامه مورد اعتماد ویژه مقام های عربستان و محرم شاهزاده ترکی فیصل، رئیس سازمان اطلاعات، بود. در سال های نخست دهه ۱۹۹۰ پیوندهای او با این شاهزاده سعودی چنان محکم بود که سازمان های اطلاعاتی خارجی، به ویژه سازمان های جاسوسی اسرائیلی، او را

از ماموران سعودی و حتی از مدیران سازمان اطلاعات سعودی می‌انگاشتند. (بریزار و گیوم، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

اگر اندکی با تامل به علل و عوامل ظهور و رشد جریان طالبان نظر افکنیم، درخواهیم یافت که طالبان محصول جریان وسیع هدایت شده و بلند مدتی است که یک سر آن به سیاست مهار دوگانه آمریکا و محاصره همه جانبه ایران پیوند دارد و سر دیگر آن به منافع استراتژیک و اقتصادی بعضی از کشورهای منطقه بسته است. (امیر احمدی، ۱۳۷۷: ۴)

حمایت عربستان سعودی از طالبان بیش از آنکه علل اقتصادی داشته باشد، عوامل ایدئولوژیکی سیاسی دارد. از یک سو عربستان خود را ملزم به تبعیت مکتب وهابیت در کشورهای اسلامی منطقه می‌داند و مبانی فکری و اندیشه دینی طالبان روابط بسیار نزدیک و تنگاتنگ با اندیشه های دینی مکتب وهابیت دارد و از سوی دیگر سیاست ضد ایرانی عربستان، آن کشور را بر آن داشته که از نفوذ رو به توسعه ایران در منطقه جلوگیری نماید.

جدای از تهدیداتی که از جانب این گروه امنیت ملی ج.ا.ا را در سال های گذشته تحت تاثیر قرار داده در حال حاضر آن چیزی که بیش از هر چیز امنیت ملی ایران را از این نظر متاثر می سازد قاچاق و صدور مواد مخدر به خاک ج.ا.ا و حتی صدور آن از خاک کشور ایران به اروپا است که علی رغم تحمیل هزینه های سنگین اقتصادی بر نظام ج.ا.ا به طور مشخص توانایی ایجاد یک بحران امنیتی را نیز دارا است. به موجب حاکمیت فضای آناار شیبستی و نیز تعمد گروه طالبان در بهره گیری از صدور مواد مخدر همچون یک منبع درآمد، افغانستان به یکی از بزرگترین صادرکنندگان مواد مخدر در جهان تبدیل گشته به گونه ای که بیش از هر نقطه دیگر دنیا امنیت ملی ج.ا.ا را تحت تاثیر قرار داده است. (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۵۲) و ایجاد یک کانون بسیار فعال در زمینه تولید مواد مخدر، در کنار جمهوری اسلامی ایران تهدید امنیتی بزرگی ارزیابی می گردد که ج.ا.ا نمی تواند نسبت به آن بی اعتنا باشد.

یکی دیگر از گروهک های تروریستی که سازمان اطلاعاتی عربستان در شکل گیری آن نقش داشته گروهک جنرال الله به سرکردگی عبدالمالک ریگی بود. عربستان از این گروهک

حمایت مالی کرده و اعضای آن به راحتی می توانند در آن کشور تردد نمایند. این گروهک در طول چند سال فعالیت خود بر امنیت ملی ج.ا.ا به شدت تاثیر گذاشت و از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹ با انجام چندین عملیات در جنوب شرقی کشور سعی بر بی ثبات کردن مرزها و نظام سیاسی ج.ا.ا را داشت که حمله به پاسگاه مرزی گذار ناهوک سراوان، حادثه تاسوکی (قتل ۲۲ تن از مسافران عبوری از محور زابل به زاهدان، آتش زدن ۶ خودروی متعلق به مسافران، اسارت عده‌ای نامعلوم از مسافران عبوری، زخمی شدن فرماندار زاهدان در این حمله). حمله به ماموران نیروی انتظامی، حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منفجره (کشته شدن ۱۳ نفر و زخمی شده ۳۰ تن دیگر از اعضای سپاه و مردم عادی) حمله به پاسگاه مرزی نگور (قتل ۲ مامور مرزبانی و اسارت ۴ نفر دیگر و انتقال آنها به پاکستان)، حمله به جمعی از پاسداران (۱۱ مامور سپاه پاسداران کشته و ۹ تن دیگر زخمی شدند)، حمله به خودروهای عبوری، گروگانگیری ۲۱ غیرنظامی و انتقال آنها به پاکستان، ترور برخی از مسئولین زاهدان، حمله انتحاری به نمایشگاه صنایع دستی در زاهدان (کشته شدن ۴۱ نفر و زخمی شدن ۱۵۰ نفر دیگر)، حمله انتحاری به مسجد شیعیان (کشته شدن ۲۵ نمازگزار و زخمی شدن ۱۲۰ تن دیگر)، حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان (کشته شدن ۲۷ نفر و زخمی شدن ۱۶۹ نفر دیگر) بمب‌گذاری در مراسم تاسوعا در چابهار (کشته شدن ۳۹ نفر) از جمله این عملیات ها با هدف نا امن کردن جنوب شرقی ج.ا.ا بوده است. (Wikipedia)

#### ۴-۲ - چالش‌های نظامی:

۴-۲-۱ - اجازه احداث پایگاه و حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه و انبار

#### تسلیمات نظامی

کشورهای عربی به ویژه در منطقه خلیج فارس درصدد هستند قدرت هوایی و دفاع موشکی شان را برای مقابله با ج.ا.ا تحکیم و تقویت کنند. این کشورها به طور عمده به دنبال تامین کنندگان سنتی تسلیحات شان در غرب یعنی آمریکا، انگلیس و فرانسه هستند اما در این میان به روسیه نیز توجه دارند. خرید تسلیحات ضمن اینکه به صورت مستقیم

امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار می دهد به صورت غیر مستقیم نیز موجب رشد اقتصادی بزرگترین دشمن ج.ا. یعنی آمریکا شده و هر ساله میلیاردها دلار از فروش تسلیحات به آن کشور سرازیر می شود. فروش های تسلیحاتی آمریکا به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به معنای تقویت حس همبستگی نیروهای آمریکایی با این کشورها و در نهایت ایجاد شباهت از نظر امکانات با نیروهای آمریکایی است و این یعنی این کشورها به دلیل ماهیت و نوع تسلیحاتی که در اختیار دارند همواره باید به عنوان بخشی از استراتژی دفاعی و نظامی آمریکا در منطقه باقی بمانند و عمل کنند.

رابطه نسبتاً قوی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس در طی دهه های گذشته بر اساس منافع امنیتی آنها در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است. آمریکا برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس یک متحد نظامی و امنیتی محسوب می شود، در سال ۱۹۹۶ آمریکا و امارات متحده عربی توافق نامه دفاعی امضاء کردند که آمریکا را به حفظ نیروهای نظامی خود و پایگاه نظامی اش در آن کشور در زمانی که مورد نیاز باشد قادر می ساخت، در سال ۲۰۰۲ بحرین یک متحد امنیتی عمده غیر ناتویی برای آمریکا تعیین شد همچنین قطر، امارات متحده عربی و کویت از متحدان عمده غیر ناتویی برای آمریکا محسوب می شوند. بر اساس توافق نامه دفاعی آمریکا و کویت که در سال ۱۹۹۱ امضاء شد آمریکا موافقت کرد با استفاده از نیروهای نظامی خود امنیت کویت را تامین نماید.

روابط نظامی و امنیتی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس به فروش تسلیحات، آموزش نظامیان، مانور نظامی مشترک شامل شده و در حال حاضر آمریکا پایگاه، نیرو و تجهیزات نظامی در بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی داشته و ستاد فرماندهی نیروی دریایی آمریکا برای خلیج در نزدیکی شهر منامه پایتخت بحرین واقع شده است.

(Rebecca Puckett, Abel, and Keefe .2008- p.15)

در کنار حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا در منطقه که با موافقت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده این کشورها نیز اقدام به تجهیز خود با تسلیحات مدرن نظامی نموده و اگر چه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، آمارهای مربوط به

خریدهای تسلیحاتی خود را در بیشتر موارد آشکار نمی‌کنند، اما جدول زیر - که به کمک موسسه صلح استکهلم گردآوری شده است - تا اندازه‌ای گویای میزان واردات تسلیحات این کشورها از قدرت‌های بزرگ جهان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ است. (SIPRI.org)

| سال         | عمان | بحرین | امارات | قطر  | کویت | عربستان |
|-------------|------|-------|--------|------|------|---------|
| ۲۰۰۰        | ۲۶۲۱ | ۳۶۸   | ۱۰۹۴۰  | -    | ۴۰۲۳ | ۲۳۵۲۳   |
| ۲۰۰۱        | ۳۰۴۹ | ۳۸۷   | ۱۰۵۷۵  | -    | ۳۹۵۴ | ۲۵۰۵۳   |
| ۲۰۰۲        | ۳۱۴۰ | ۴۶۲   | ۹۷۲۵   | ۱۵۸۸ | ۴۰۸۰ | ۲۱۹۹۵   |
| ۲۰۰۳        | ۳۳۰۳ | ۵۳۱   | ۱۰۲۰۱  | ۱۶۰۲ | ۴۳۹۶ | ۲۲۱۵۷   |
| ۲۰۰۴        | ۳۷۱۳ | ۵۳۵   | ۱۱۰۱۶  | ۱۴۷۶ | ۴۷۳۲ | ۲۴۶۳۲   |
| ۲۰۰۵        | ۴۴۷۶ | ۵۲۹   | ۱۰۲۵۴  | ۱۵۶۹ | ۴۵۸۰ | ۲۹۶۸۰   |
| ۲۰۰۶        | ۴۷۸۶ | ۵۷۶   | ۱۲۰۹۸  | ۱۶۵۷ | ۴۵۵۰ | ۳۳۸۰۹   |
| ۲۰۰۷        | ۴۸۴۹ | ۶۰۹   | ۱۳۰۵۲  | ۲۰۲۰ | ۵۱۰۹ | ۳۳۹۴۶   |
| ۲۰۰۸        | ۴۶۱۷ | ۶۵۱   | -      | -    | ۴۴۶۰ | ۳۸۲۲۳   |
| ۲۰۰۹        | ۴۰۰۳ | ۷۲۱   | -      | -    | ۴۵۸۹ | ۳۹۲۵۷   |
| ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ | -    | -     | ۴۲۳۵۶  | -    | -    | ۸۷۲۵۷   |

\*ارقام به میلیون دلار است.

جدول زیر نیز نشان دهنده درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است که به خرید تسلیحات نظامی در بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۸ اختصاص داده شده که با میانگین جهانی تولید ناخالص داخلی اختصاص داده شده به خرید تسلیحات نظامی هم مقایسه شده است. (SIPRI.org)

| سال           | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۴ | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸ |
|---------------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| عربستان       | ۱۰.۶ | ۱۱.۵ | ۹.۸  | ۸.۷  | ۸.۴  | ۸    | ۸.۳  | ۹.۲  | ۸.۲  |
| کویت          | ۷.۲  | ۷.۷  | ۷.۴  | ۶.۵  | ۵.۸  | ۴.۳  | ۳.۶  | ۳.۸  | ۳.۲  |
| قطر           | -    | -    | ۴.۷  | ۴    | ۲.۹  | ۲.۵  | ۲.۲  | ۲.۵  | -    |
| امارات        | ۹.۴  | ۹.۸  | ۸.۶  | ۷.۹  | ۷.۴  | ۵.۶  | ۵.۹  | ۵.۹  | -    |
| بحرین         | ۴    | ۴.۲  | ۴.۷  | ۴.۸  | ۴.۳  | ۳.۶  | ۳.۴  | ۳.۲  | ۳    |
| عمان          | ۱۰.۸ | ۱۲.۵ | ۱۲.۴ | ۱۲.۲ | ۱۲.۱ | ۱۱.۸ | ۱۱   | ۱۰.۴ | ۷.۷  |
| میانگین جهانی | ۲.۳  | ۲.۳  | ۲.۴  | ۲.۵  | ۲.۵  | ۲.۵  | ۲.۴  | ۲.۴  | ۲.۴  |

\*ارقام به صورت درصدی از میزان تولید ناخالص داخلی بیان شده اند.

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می شود کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به میانگین جهانی از رده بالاتری در خرید تجهیزات نظامی برخوردار هستند، به ویژه دو کشور امارات متحده عربی و عربستان سعودی با برخورداری از توان بالای مالی که ناشی از درآمدهای بالای نفت است بیشترین میزان خریدهای تسلیحاتی را در این مدت داشته‌اند. البته با توجه به اینکه این کشورها اختلافی با همدیگر ندارند قدر مسلم این است انبار تجهیزات و تسلیحات نظامی مدرن دنیا در این منطقه تنها با هدف مقابله با ایران صورت می گیرد در حالی که ج.ا.ا. صراحتاً اعلام کرده رویکرد آن در منطقه صلح و دوستی بوده حتی برخی از صاحب نظران عرب هم همین رویکرد را تایید می کنند از جمله حنین هیکل نویسنده مشهور مصری و عمرو موسی دبیر کل سابق اتحادیه عرب بارها تاکید کرده اند که اسرائیل با کلاهک های هسته ای تهدید اصلی برای صلح و امنیت منطقه است و نیز بیان کرده اند کشورهای منطقه باید متوجه رژیم صهیونیستی باشند اما به رغم همه این ها ملاحظه می شود که بخشی از خریدهای تسلیحاتی در چارچوب پروژه ایران هراسی صورت می گیرد.

## ۴-۲-۲ - میزبانی سپر موشکی آمریکا در منطقه

یکی از اهداف شورای همکاری خلیج فارس از آغاز تاسیس ایجاد نیروی دفاعی و نظامی مشترک بود اما تا کنون این کشورها نتوانسته اند نیروی نظامی مشترک کارآمدی را تشکیل دهند که قادر به تامین امنیت آنها باشد، همانطور که در حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ نیز این امر به وضوح قابل مشاهده بود. بنابراین هرچند که اعضای شورای همکاری خلیج فارس از نظر تسلیحاتی هزینه‌های زیادی کرده‌اند اما تا کنون موفق به ایجاد نیروی نظامی توانمندی به تنهایی نشده‌اند. در نتیجه این کشورها در تلاشند که در جهت تامین امنیت خود و تغییر موازنه قدرت منطقه ای حمایت بیشتر غرب را از جمله در بعد نظامی بدست آورند. غرب نیز در راستای مهار ایران با این کشورها وارد تعامل جدی و همه جانبه از جمله در بعد نظامی شده است تا نیروی کارآمدتری برای موازنه سازی در برابر ایران ایجاد شود. (irdiplomacy.ir)

در سال های گذشته ایده توسعه سامانه ضد موشکی آمریکا از سوی منابع مختلفی از جمله پنتاگون مطرح شده بود. اما اولین بار در روزهای پایانی مارس سال ۲۰۱۲ بود که وزیر خارجه آمریکا هیلاری کلینتون به شکل علنی از چنین طرحی صحبت به میان آورد و به نوعی شروع پروژه استقرار سپر موشکی در جنوب خلیج فارس را کلید زد. در مورد موافقت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که میزبان این سپر موشکی خواهند بود ظاهراً مانع قابل توجهی وجود ندارد، عربستان سعودی و قطر که از مهره های کلیدی شورا به حساب می آیند از این طرح استقبال کرده اند، اگرچه درخصوص سایر عضو شورا تردیدهایی وجود دارد ولی به نظر نمی رسد آنها بتوانند یا حتی بخواهند در برابر طرح مقاومت کنند.

### اهداف طرح:

#### ۱ - افزایش هزینه های نظامی ایران؛

با توجه به اینکه ایران برای غلبه بر سامانه مذکور نیازمند تکنولوژیها و سامانه های آفندی مطمئنی است ممکن است به افزایش هزینه های نظامی سوق یابد.



## ۲- تسهیل شرایط اقدام نظامی علیه ایران

همواره این نگرانی برای کشورهای غربی وجود دارد که در صورت اقدام نظامی علیه ایران، این کشور ممکن است با اتکا به قابلیت های موشکی خود منافع غرب و هم پیمانان منطقه آنها را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین استقرار سپر موشکی در این منطقه امکانات مناسبی برای دفع واکنش های احتمالی ایران فراهم کرده و قدرت بازدارندگی ایران تنزل می یابد.

اعلان استقرار سپر موشکی در کشورهای منطقه حاکی از فاز جدیدی از تهدیدات غرب به کمک کشورهای منطقه بر علیه ایران است که این تهدید می تواند هم جنبه نظامی، اقتصادی و سیاسی باشد. نظامی از این حیث که بر قدرت بازدارندگی موشکی ایران در منطقه اثر منفی می گذارد، اقتصادی از این حیث که با افزایش هزینه های نظامی ایران در کنار پروژه گسترش تحریم های اقتصادی غرب، شرایط اقتصادی دشوارتری پیشروی ایران قرار می گیرد و سیاسی از این حیث که همگرایی و تفاهم بین اعضای شورا و آمریکا که تهدیدی اصلی برای ایران بوده را تقویت کرده و مناسبات ایران و شورا را به سردی سوق می دهد که ایران باید با اتخاذ تمهیدات مختلف و دیپلماسی فعال و سازنده کشورهای عضو شورا را به عقب نشینی از این طرح سوق دهد. (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۴)

اگرچه این طرح کاملاً براساس تکنولوژی های آمریکا قرار است در منطقه احداث شود اما دادن زمین از سوی کشورهای عضو شورای خلیج فارس به آمریکا در حالی که ایران همیشه عنوان نموده علاقه مند به ایجاد موافقت نامه های امنیتی با کشورهای منطقه بوده و معتقد است کشورهای منطقه به تنهایی می توانند بدون کمک کشورهای فرامنطقه ای امنیت منطقه را تامین کنند، این اقدام کشورهای حاشیه خلیج فارس اقدامی خصمانه و تهدیدی بر امنیت ملی ایران محسوب شده و تنها با هدف مقابله با ایران و حتی کمک به امنیت رژیم صهیونیستی صورت می گیرد البته باید اذعان کرد که ایران هراسی آمریکا در منطقه نقش موثری در پیشبرد چنین طرح هایی داشته و این اقدام آمریکا به حدی کشور های منطقه را تحت تاثیر قرار داده که برخلاف سایر طرح های استقرار سپر موشکی که در

ترکیه و برخی کشورهای اروپایی انجام میشود و در قبال استقرار آن آمریکا پولی را برای اجاره محل سامانه ها پرداخت می نماید، اما با نصب سامانه های سپر موشکی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نه تنها پولی به این کشورها داده نمی شود بلکه هزینه ای هم از این کشورها دریافت می شود.

#### ۴-۳- چالش های اقتصادی:

امنیت ایران همواره با نفت رابطه مستقیم داشته و همیشه بخشی از دیدگاه سیاستمداران را در نگاه به ایران مسئله نفت و منابع نفتی ایران تشکیل می داده است. نفت بیش از ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور را تأمین می نماید و ارتباط اقتصاد ایران با دنیا عمدتاً از طریق این صنعت صورت می گیرد. از این رو، با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت، امنیت ملی از متغیرهایی در خارج از مرزها نیز تأثیر می پذیرد رابطه مستقیمی میان امنیت ملی ایران و قیمت های جهانی نفت وجود دارد. هر چه بحران در قیمت جهانی نفت افزایش یابد، حساسیت امنیتی کشور نیز افزایش می یابد. لذا اقتصاد تک محصولی ایران یکی از چالش های امنیتی محسوب می شود که در کنار اینکه منجر به کندی رشد و توسعه اقتصادی شده است، با رقیب قرار دادن دیگر کشورها و در نتیجه واگرایی کشورهای دیگر منطقه، ناامنی را برای ایران بازتولید می کند. هر قدر بازار جهانی و کشورهای مختلف به نفت و گاز ایران بیشتر وابسته باشند، مجبور خواهند بود که از امنیت تداوم تولید و جریان نفت و گاز ایران حراست کنند و این به نوبه خود مستلزم داشتن جایگاه مناسب در بازار جهانی انرژی (نفت و گاز)، برقراری آرامش و امنیت ایران خواهد بود. لذا، افزایش نقش ایران، در تأمین امنیت انرژی مصرف کنندگان به تأمین امنیت ملی ایران نیز کمک می کند، به میزانی که این نقش به حداقل می رسد و قابلیت جایگزینی و حذف می یابد تهدیدی علیه امنیت ملی کشور خواهد بود.

در اواسط اکتبر سال ۱۹۷۳ به دلیل بروز جنگ اعراب و اسرائیل، کشورهای عربی عضو اوپک تولید خود را به میزان ۵ درصد کاهش دادند و با منقبض شدن بازار نفت، قیمت نفت چهار برابر شد و انقلابی در وضعیت اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت، اوپک،

صورت گرفت و همین امر موجب رکود اقتصادی در کشورهای شمال شد در حالی که ثروت های هنگفتی از کشورهای وارد کننده نفت به سوی کشورهای صادر کننده نفت سرازیر شد. بسیاری از کشورهای جهان سوم از موفقیت اوپک در دهه ۱۹۷۰ الهام گرفتند و اوپک را به عنوان الگویی برای تلاش های توسعه ای خویش می دیدند تولید کنندگان مس، قلع، فهوه، موز و دیگر کالاهای کشور جهان سوم تشکل هایی شبیه اوپک تشکیل دادند تا به قیمت ها و درآمدهای بالا دست یابند. موفقیت اوپک به تلاش کشورهای جهان سوم برای گفتگو با شمال در جهت ایجاد نظم نوین اقتصاد بین المللی قوت بخشید. (لارسون و اسکید مور، ۱۳۷۸: ۲۴۲)

موفقیت اوپک در دهه ۱۹۷۰ نشان می دهد که کشورهای جهان سوم می توانند با توجه به ابزاری که در دست دارند برای چانه زنی بیشتر در مقابل کشورهای قدرتمند استفاده نمایند به شرطی که هماهنگی و همکاری تمامی کشورهای عضو یک سازمان وجود داشته باشد.

با توجه به اهمیت نفت در امنیت ملی کشور یکی از مواردی که از این طریق به امنیت ملی ج.ا.ا. تاثیر می گذارد همسویی سیاست های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خصوصاً عربستان با سیاست های آمریکا است که باعث شده آن کشور همیشه در افزایش و یا کاهش قیمت نفت که نقش مهمی در اقتصاد کشورهای صادر کننده آن دارد جانب آن کشور را گرفته و زمانی که تحولات و بحران های منطقه ای و بین المللی باعث افزایش قیمت نفت شده سعی کرده با برخی سیاست های خود از افزایش قیمت نفت که یک فرصت اقتصادی برای صادر کننده آن محسوب می شود جلوگیری نماید.

در نشست رم که با حضور نماینده آمریکا و کشورهای اروپایی در آذرماه سال گذشته در خصوص تحریم نفتی ایران تشکیل شده بود نمایندگان عربستان سعودی و امارات متحده عربی در این نشست حضور داشتند که در آن در مورد چگونگی تحریم نفت ایران و توان جایگزینی عربستان مذاکره شد و عربستان به عنوان مهم ترین تامین کننده نفت در صورت تحریم نفت ایران تبدیل شد و علی النعیمی، وزیر نفت این کشور در اظهاراتی غافلگیر کننده گفت که "برای جبران نفت ایران کافی است شیرفلکه ها را باز کنیم و در ظرف چند

روز می توانیم تولید خود را به ۱۲ میلیون بشکه در روز برسانیم که این تولید کمبود حاصله در بازار را جبران خواهد کرد. (hamshahrionline.ir)

غیر از تاثیر گذاری با حفظ قیمت نفت و تولید نیازهای آمریکا و کشورهای اروپایی به خصوص از طرف کشور عربستان، سیاست های نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با خرید انواع تجهیزات نظامی پیشرفته کشورهای غربی که با هدف مقابله با جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد باعث چالش اقتصادی برای ج.ا.ا شده و ایران مجبور می شود در راستای سیاست های بازدارندگی خود سرمایه گذاری زیادی در برنامه های دفاعی داشته باشد و این در حالی است که در صورت حضور نداشتن متحد بزرگ این کشورها یعنی آمریکا و انبار نکردن تجهیزات نظامی در این کشورها ج.ا.ا می تواند به جای سرمایه گذاری بیش از حد متعارف در زمینه ساخت تجهیزات دفاعی برای مقابله با تهدیدات احتمالی این کشورها، آن را در زمینه اقتصادی و توسعه بیشتر کشور هزینه نماید. اگرچه از میزان بودجه نظامی ج.ا.ا ایران به دلیل محرمانه بودن اطلاع دقیقی وجود ندارد ولی باید اذعان کرد که سیاست های نظامی گری کشورهای منطقه ایجاب می کند کشور برای اتخاذ سیاست بازدارنده هزینه های زیادی را متحمل شود

### نتیجه گیری

باری بوزان در بحث مجموعه امنیت منطقه ای، نزدیکی جغرافیایی، دوستی و احساس تهدید و ترس را عامل اصلی و تعیین کننده برای شکل گیری یک مجموعه امنیتی منطقه ای می داند و در کنار آن وجود عوامل فرهنگی و قومی مانند وجود قومیت واحد و مذهب واحد را از جمله عوامل فرعی تاثیر گذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه های امنیتی منطقه ای به حساب می آورد. به هر حال جدا از عوامل فرهنگی و قومی که نقش تسهیل کننده در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس داشته بحث نزدیکی جغرافیایی و دوستی کشورهای عربی منطقه و مهمتر از همه احساس تهدید و ترس از جانب ایران در میان آن کشورها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی در شکل گیری آن شورا داشته است که زمان شکل گیری و بررسی سیاست های آن شورا در این سه دهه گذشته

مبین همین مطلب است. کشورهای عربی سعی کرده اند با ایجاد یک مجموعه امنیتی منطقه ای بدون حضور یکی از مهم ترین کشورهای منطقه یعنی ایران و البته با حضور یک قدرت فرامنطقه ای همچون ایالات متحده آمریکا که با سیاست های هراس افکنانه خود نقشی تاثیر گذار در شکل گیری و روند سیاست های شورا داشته نسبت به تامین امنیت در منطقه مهم خلیج فارس اقدام کنند که با توجه به فلسفه وجودی شورا یعنی احساس تهدید و ترس از ایران، سیاست های اتخاذ شده در آن با هدف ایجاد چالش های امنیتی در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران بوده است، خصوصاً این که اعضاء شورا رابطه نظامی و امنیتی نزدیکی با ایالات متحده آمریکا که در حال حاضر دشمن اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود داشته و هر روز با سیاست های هراس افکنانه آن کشور این رابطه مستحکم تر شده و تهدیدات امنیتی بر علیه ایران نیز تشدید می شود. اعتقاد جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای منطقه، بهتر می توانند یک مجموعه امنیتی منطقه ای بین خود ایجاد کنند. جمهوری اسلامی ایران فرمول ۶+۲ را پیشنهاد می دهد که در آن شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به اضافه دو کشور ایران و عراق مسئولیت حفظ امنیت منطقه ای را برعهده بگیرند اما متأسفانه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بدون توجه به ظرفیت های فراگیر کشورهای منطقه بویژه ایران، از قدرت های فرامنطقه ای برای حضور فیزیکی در خلیج فارس کمک می گیرند و این قدرت ها بیش از آن که درصدد تامین امنیت خلیج فارس باشند واگرایی میان کشورهای حاشیه خلیج فارس را تشدید کرده و مانع هرگونه تلاش برای شکل گیری مجموعه امنیتی منطقه ای می شوند. بنابراین در چنین شرایطی، بهترین راه کاری که ج.ا.ا. در راه رسیدن به اهداف خود می تواند در پیش بگیرد، این است که با در پیش گرفتن سیاست «همکاری» و «تنش زدایی» با کشورهای منطقه و «حل مسالمت آمیز اختلافات» با هر یک از کشورهای منطقه خلیج فارس، در پی دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش باشد. این بهترین و مطمئن ترین راهی است که ایران می تواند در قبال کشورهای منطقه و امنیت خلیج فارس در پیش بگیرد. در این صورت است که هر قدر جمهوری

اسلامی روابط حسنه و همراه با اعتماد متقابل با کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته باشد، به همان میزان می تواند از نفوذ و تأثیرگذاری نیروهای خارجی بکاهد و در تأمین امنیت این منطقه، جایگاه واقعی خود را بیابد. پس امنیت منطقه ای مبتنی بر همکاری متقابل، در این برهه زمانی بهترین نوع امنیت برای این منطقه حیاتی و راهبردی به شمار می آید اما به نظر می آید کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نه تنها تمایلی به این همکاری متقابل نداشته بلکه با سیاست های خود امنیت ملی ج.ا.ا را تحت تأثیر قرار داده و ایران را ناچار به واکنش می نمایند.

بنابراین دفع تهدیدات ناشی از چالش های ایجاد شده توسط شورای همکاری خلیج فارس، مستلزم مدیریت راهبردی از طریق به کارگیری راه کارها و ساز و کارهای امنیتی، سیاسی است که بر همین اساس راه کارها و سیاست های ذیل در جهت افزایش ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استنتاج و ارائه می شود:

- در سیاست خارجی باید از خود و محیط پیرامون نگاه واقع بینانه ای داشته باشیم و با توجه به واقعیت های موجود به سمت آرمان های خود حرکت کنیم.

- تنش زدایی و اعتماد سازی بین کشورهای منطقه می تواند پایه روابط مستحکمی را بر اساس احترام متقابل و تأمین مصالح ملی بنا نموده و در جهت تکمیل متقابل و هم پوشانی موثر باشد، رقابت منفی را باید تبدیل به رفاقت و رقابت مثبت نمود و تعامل را جایگزین تقابل کرد.

- باید بر اتخاذ تدابیر جدید امنیتی توسط تمام کشورهای منطقه خلیج فارس با تکیه بر اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احساس برابری با همه کشورها و نداشتن تمایل به چیرگی در چارچوب امنیتی جدید تأکید گردد.

- باید همکاری های اقتصادی بین کشورهای منطقه گسترش و با انجام مبادلات پر حجم سعی در افزایش میزان وابستگی اقتصادی کشورها به همدیگر شد چرا که بر اساس نظریه همگرایی، وابستگی و همکاری اقتصادی می تواند بر سایر زمینه ها خصوصاً سیاسی و امنیتی تسری داشته باشد.

- باید برنامه ریزی دقیق و همه جانبه برای توسعه و پیشرفت کشور صورت و از اتکاء به تک محصولی نفت فاصله تا فضای زیادی برای بازی سیاسی کشور فراهم شود.
- زدودن ذهنیت های منفی تاریخی و قبولاندن این موضوع که هیچ یک از کشورها هرگز قصد سلطه بر منطقه را ندارد و این موضوع تبلیغ کشورهای غربی، به ویژه آمریکا است. در این زمینه، باید دشمن واقعی، اصلی، دیرینه و مشترک دنیای اسلام شناسایی شود.
- از دیپلماسی عمومی برای ارائه سیاست های منطقه ای ایران با هدف تاثیر گذاری بر افکار عمومی کشورهای منطقه به صورت گسترده استفاده شود.
- باید برای تاسیس و گسترش نهادها و سازمان های منطقه ای، به منظور تقویت و تحکیم هویت منطقه ای تلاش شود.

Archive of SID

## منابع

- ۱- افتخاری، اصغر ( ۱۳۸۱ ). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- الهی، همایون (۱۳۸۴). **خلیج فارس و مسائل آن**، تهران، نشر قومس.
- ۳- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۷) « بحران افغانستان و سیاست منطقه ای ایران » **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۳۳-۱۳۴.
- ۴- بریزار، ژان شارل و داسکیه گیوم ( ۱۳۸۱ ). **بن لادن حقیقت ممنوع**، ترجمه حامد فولادوند، چاپ اول، تهران، نشر عطایی.
- ۵- بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولتها و هراس**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- پژوهشکده مطالعات راهبردی ( ۱۳۹۱ ) ، طرح سپر موشکی خلیج فارس، مبانی و اهداف، **ماه نگار امنیت ملی**، شماره اول، فروردین ماه.
- ۷- تجدد، حسین ( ۱۳۸۷ ). **خلیج فارس نامی که هرگز تغییر نخواهد کرد**، مجموعه مقالات نشریات داخلی، شماره ۵۰.
- ۸- حافظیان، محمد حسین ( ۱۳۸۸ ) روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس، چشم اندازهای آینده ، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال شانزدهم، شماره ۲.
- ۹- حق پناه، جعفر ( ۱۳۷۷ )، قچاق مواد مخدر و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا. ، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره دوم.
- ۱۰- سالمی، فرزانه ( ۱۳۸۴ ). «شورای همکاری خلیج فارس و ایران» **روزنامه شرق**، ۸ آذر.
- ۱۱- رضایی، روح اله (۱۳۸۰). **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران نشر نی.
- ۱۲- دهقانی فیروز آبادی ( ۱۳۸۸ ) **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر قومس.



۱۳- لارسون، توماس و دیوید اسکید مور (۱۳۷۸)، ترجمه دکتر احمد ساعی، دکتر مهدی تقوی، اقتصاد سیاسی بین الملل، تلاش برای کسب قدرت و ثروت، تهران، نشر قومس، چاپ چهارم.

ب) منابع انگلیسی

- 14- Agence France-Presse, June 27, 2005
- 15- Buzan, Barry and Waver, Dewilde (1998) **Regions and Powers The Structure of International Security**, New York: Cambridge University Press
- 16- Rebecca Puckett, Joshua Abel, and Sara Keefe (2008) "**Exploring the U.S.-GCC Relationship**" The George Washington University – april.
- 17- "**GCC Leaders Welcome Ahmadinejad's Proposals**," (2007) Alsharq Alawsat, December 4
- 18- "Iran Dismisses Claims on Persian Gulf Islands," (2005) RFE/RL **Iran Report**, December 27, , Vol. 8, No. 50.
- 19- Sherine Bahaa, (2007) "Facing 'Serious Threat'," **Alahram Weekly**, Issue No. 874, December
- 20- **www. SIPRI. Org/** Military Expenditure Database
- 21- **www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&ID=227**
- 22- **www.irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/1899736**
- 23- **www.fa.wikipedia.org/wiki**
- 24- **www.tabnak.ir/fa/news/238952**
- 25- **www.hamshahronline.ir/news-154472.aspx**